

شبه 2 آبان 5 ذي القعدة 24 اکتبر

بنای پایه های کعبه، توسط ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل(ع)...

**بنای پایه های کعبه، توسط ابراهیم(ع) و فرزندش اسماعیل(ع)**

بنا به روایات متعدد، کعبه معظمه نخستین مکان پرستش خدا، در آغاز سکونت انسان در زمین، توسط حضرت آدم(ع) بنا گردید. ولی پس از 2242 سال از هبوط آدم(ع) و در عصر حضرت نوح(ع) که طوفان سراسر جهان را فرا گرفت و تمام نقاط زمین به زیر آب فرو رفت، گرچه خانه خدا [کعبه] به زیر آب نرفت و غرق نشد و بدین جهت، به "بیت العتیق" نامیده شد، ولیکن آسیب های فراوانی به ساختمان آن وارد گردید و پس از طوفان به صورت تل سرخی درآمد و مردم از آن مکان، حوائج می خواستند و قربانی می کردند.

اما هنگامی که حضرت ابراهیم(ع)، همسرش هاجر(س) و کودک خردسالش اسماعیل(ع) را به امر پروردگار متعال، از سرزمین شام به مکه معظمه هجرت داد و در آن ساکن گردانید، این مکان به تدریج رونق یافت و حضرت ابراهیم(ع) از جانب خدای سبحان، مأموریت یافت که کعبه را تجدید بنا کند.

آن حضرت با همکاری و همیاری فرزندش حضرت اسماعیل(ع) و ارشاد و راهنمایی جبرئیل(ع)، در پنجم ذي قعدة سال 3429 هبوط آدم(ع)، چیدن دیوار کعبه را آغاز کرد و در بیست و هفتم ذي قعدة آن را به پایان رسانید و سپس حجارالاسود را که از سنگ های بهشتی است، بر دیواره آن نصب کرد.

ابراهیم(ع) نخستین کسی بود، که خانه خدا را طواف کرد و در آن به عبادت پرداخت و از خدای سبحان، درخواست قبولی اعمالش را نمود.

قرآن کریم به این داستان اشاره کرد و فرمود: **وَ إِذْ يَرْقِعُ إِبرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.**

از آن پس، خانه خدا، مقدس ترین محل عبادت موحدان قرار گرفت و روز به روز، بر شوکت و عظمت آن، افزون گردید.

رحلت سید بن طاووس در سال 664 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت:

رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، مشهور به (سید بن طاووس) در سال 589 هجری قمری در شهر حله دیده به جهان گشود، مادر وی دختر فقیه مشهور (شیخ ورام بن ابی فراس) مؤلف کتاب معروف (مجموعه ورام) است و مادر پدرش دختر شیخ طوسی پیشوای مجتهدین شیعه بوده است، او خود بارها در آثارش به این دو نسب اشاره کرده است.

خاندان:

(آل طاووس) خاندانی با سابقه و علمی، از شیعیان امامی و سادات علوی بودند، و دارای پایگاه علمی و سیاسی، که قرن هفتم هجری در عراق می زیستند. این دودمان بزرگ از طرف پدری به امام حسن مجتبی (علیه السلام) و از جانب مادری به امام سجاد (علیه السلام) منتسب بودند و از این جهت به سادات حسنی حسینی شهرت دارند.

تحصیلات و سفرهای علمی

این طاووس که از محضر اساتید حله استفاده کافی و لازم را برده بود برای استفاده از علمای دیگر شهرها عزم سفر نمود. او ابتدا به کاظمین رفت. پس از مدتی ازدواج نمود و ساکن بغداد شد. مدت 15 سال در شهر بغداد به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت. ورود سید به بغداد سال 625 هجری بوده است.

سید که تحت فشار دولت عباسی برای پذیرش پستهای حکومتی قرار گرفته بود از بغداد به حله، زادگاه خویش، مراجعت کرد. رضی الدین مدت سه سال نیز در جوار امام هشتم علیه السلام به سر برد. سپس به نجف و کربلا هجرت کرده و در هر کدام حدود 3 سال مقیم شد. در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف، همّت اصلی خویش را بر سیر و سلوک و کسب معنویات قرار داد.

در زمان اقامت در کربلا کتاب شریف «کشف المحجّة» را به عنوان وصیتی برای فرزندانش که در آن زمان کودک بودند نوشت. آخرین سفر ابن طاووس در سال 652 هجری به بغداد بود. وی در بغداد منصب نقابت را پذیرفت و تا پایان عمر خویش در همانجا سکنی گزید. زمانیکه مغولها به بغداد حمله کرده و آن را اشغال نمودند، سید نیز در بغداد بود.

نقابت سادات

در دوران اقامت ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سید هیچیک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه چنین بود که: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم رابطه خویش را با خداوند قطع می نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل و انصاف حرکت کنم خاندان تو و بقیه وزرا و سفرا و فرماندهان تو آن را

تحمل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این رویه می خواهد بگوید اگر حکومت به ما برسد اینچنین عمل می کنیم و این روشی است بر خلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت‌های آنهاست.» سید در سال 661 هجری نقابت علویان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی سادات بود که کلیه امور مربوط به سادات را عهده دار می شد. این وظایف شامل قضاوت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی ایتم و... می شد.

البته ایشان تأکید دارد که تنها بخاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است. وفات:

سید بن طاووس این بزرگ شخصیت عالم تشیع و ستاره فروزان آسمان علم و فضیلت و تقوا در روز دوشنبه پنجم ماه ذی قعدة سال 664 هجری قمری در شهر بغداد دارفانی را وداع گفت و به دیدار معبود خود شتافت. گر چه گفته شده که جنازه او را بر حسب وصیت خودش به نجف بردند و در کنار حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند، اما اکنون در شهر حله آرامگاهی منسوب به اوست که زیارتگاه شیعیان است و به خاکش تبرک می جویند. مقام علمی:

این طاووس در سلسله عالمان و محدثان و علمای بزرگ و مفاخر دانشمندان شیعه در قرن هفتم هجری است که از اعتبار والایی برخوردار است. دلایل این اعتبار عموماً برآمده از دانش وی، تألیفات بسیار، تاریخ نگاری و روایت حدیث‌های فراوان است. شهرت او بیشتر در نقل دعا و روایات اخلاقی و کلامی و پارسایی عملی اوست.

جالب توجه اینکه وی در علم فقه نیز دست داشت ولی در میان همه آثار بجا مانده از او فقط يك اثر فقهی دیده میشود. او خود می گوید: دیدم! اختلاف در فتاوی فقهاء بسیار است چندان که تشخیص درست و نادرست را دشوار می سازد از این رو صلاح دیدم لب فرو بندم و به اجتهاد و فتوای نپردازم.

محدث بزرگوار شیخ یوسف بحرانی از بعضی دانشمندان نقل میکند که: سید بن طاووس با همه تصنیفات و تألیفات که دارد بواسطه پرهیزگاریش که از فتوی دادن و مخاطرات آن بیم داشته و احتیاط می نموده در علم فقه کتابی تألیف نکرده است. شخصیت اجتماعی:

سید ابن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر اینکه فقیهی نام آور بود ادیبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می شد، گرچه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان اوست و اکثر تألیفات او در موضوع ادعیه و زیارات می باشد.

سید کتابخانه بزرگ و بی نظیری داشت که از جدش به ارث برده بود و او به گفته خودش تمام آن کتابها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود. گفتار بزرگان:

1 - علامه حلی در کتاب منهاج الصلاح می نویسد: السید السند رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، و کان اعبد من رأیناه من اهل زمانه. او عابدترین و پارساترین افراد زمانه خود بوده است.

2 - نفوشی در (نقد الرجال) می فرماید: حاله فی العبادة و الزهد اشهر من أن یذکر یعنی حالات روحی او از جهت عبادت و پرهیزگاری مشهورتر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد.

3 - علامه مجلسی در بحار الانوار می گوید: الثقة الزاهد، جمال العارفين. یعنی پارسای معتمد و زینت عارفان.

4 - در کتاب از کلینی تا خمینی، در باره او آمده است: مصباح المتعبدین، ازهد الزاهدین، شبیه زین العابدین، یعنی سید رضی الدین صاحب زهد، ورع و تقوی، و در عبادت و تهجد چون جدش سجاد، طاووس سادات طاووس علی بن موسی بن جعفر) رحمة الله علیه) شخصیتی که جناب، علامه او را به بزرگی ستود و آرزوی کشف و کرامات او را مینمود. تألیفات سید بن طاووس:

سید بن طاووس با استفاده از برنامه مرتب و منظمی که در زندگی برای خود تنظیم کرده بود، توفیق یافت که در طول زندگانی پر حادثه خود منشأ آثار بسیاری شود که مجموعاً بیش از پنجاه جلد کتاب می شود و همه نیز در ردیف بهترین کتب علمی و دینی شیعه است.

آثار متنوعی در کلام، رجال، اخلاق، حدیث و ادعیه از او جای مانده است. عناوین برخی از آنها عبارتند از:

- 1 - الاقبال در سه جلد و در زمینه اعمال ماههای سال و دعا و نیایش .
- 2 - جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، کتابی است در مورد اعمال مستحبی روزهای هفته مخصوصاً شب و روز جمعه.
- 3 - کشف المحجة لثمره المهجة، این کتاب وصیت نامه ای است که سید برای پسران خود نگاشته است.
- 4 - اللهوف علی قتلی الطفوف، از بهترین کتابهایی است که در مورد واقعه کربلا و اصحاب سید الشهداء (علیه السلام) نوشته شده است.
- 5 - الدرر الواقیة، در اعمال مستحبی طول ماه.
- 6 - فتح الابواب، در آداب استخاره می باشد.
- 7 - امان الاخطار، در اعمال مستحبی و دعاهای سفر و حضر است.
- 8 - سعد السعود.

- 9 - طوائف في معرفة مذهب الطوائف.
- 10 - المجتنبی فی ادعية المجتبی .
- 11 - الملاحم والفتن .
- 12 - محاسبة النفس .
- 13 - مهج الدعوات ومنهج العبادات .
- 14 - اليقين باختصاص اميرالمؤمنين بامرة المؤمنين .
- 15 - مفجد السبق.
- 16 - مصباح الشريعة می باشد.

درگذشت «ابن هشام» مسلمان شافعی مذهب در سال 761 هجری قمری

«ابن هشام» مسلمان شافعی مذهب، و از نجویان بزرگ عرب در سال 761 هجری قمری در شهر قاهره در گذشت. سلسله نسب ابن هشام به قبیله «خَزَج» از یاران پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌رسد. وی در قاهره دوران جوانی خود را سپری کرد، بعد از اخراج صلیبیان و پایان یافتن آشوبها و بازگشت امنیت و آرامش به سرزمین مصر، این کشور به یکی از بزرگترین پایگاههای علم و ادب تبدیل شد بدین ترتیب محیطی مناسب برای رشد استعدادهاي ابن هشام فراهم آمد، زیرا او علاوه بر نحو، به ادبیات بویژه شعر علاقه بسیار داشت ابن هشام در مدتی کوتاه در علم نحو شهرت فراوان کسب کرد و آثارش در فراسوی مرزهای مصر و شام به دست دانش پژوهان و اندیشمندان افتاد که در آن سه عامل را سبب تفضیل، ابهام و پیچیدگی کتب نحو می‌داند به عبارتی او با در نظر داشتن نقایص و معایب کتب نحو کتابی جامع تألیف کرده است. «جمال الدین عبدالله بن یوسف انصاری» معروف به «ابن هشام» در 53 سالگی در گذشت.

درگذشت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی در سال 1368 هجری شمسی

آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی از مدرّسان برجسته حوزه علمیه مشهد و معلم اخلاق در سال 1368 هجری شمسی درگذشت. ایشان با ره توشه‌ای از زهد، تقوی، عرفان و جهاد دارفانی را وداع گفت. این عالم فرزانه پس از تحصیل در تهران و نجف اشرف به مشهد مقدّس عزیمت کرد و بیش از 40 سال از عمر خویش را در حوزه علمیه این شهر سپری کرد. آیت الله تهرانی به تفسیر و تدریس اصول و اخلاق اسلامی پرداخت و جمع زیادی از فضلا از منبع علم و عرفان او استفاده کردند. «میزان المطالب؛ عارف و صوفی چه می‌گویند؛ فلسفه بشری و اسلامی و آئین زندگی در اخلاق اسلامی از جمله آثار متعدد آیت الله تهرانی می‌باشند.

تولد دکتر محمد حسین بهشتی در سال 1307 هجری شمسی

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:
ولادت: شهید بهشتی، در دوم آبان ماه 1307 هـ. ش مصادف با 1349 هـ. ق در محله لومبان اصفهان در يك خانواده روحانی به دنیا آمد. پدرش یکی از روحانیون اصفهان و امام جماعت مسجد لومبان بود.
تحصیلات: وی از چهار سالگی به مکتب رفت و هوش و نبوغی سرشار از خودش نشان داد.
در سال 1321 هـ. ش به جهت علاقه ای که به تحصیل علوم دینی داشت وارد حوزه علمیه شد.
در فاصله سالهای 1321 تا 1325 توانست ادبیات عرب، منطق، کلام، فقه، اصول را بخواند و مورد توجه استادانش قرار گیرد.

در سال 1325 در حالی که در حدود 18 سال داشت به سوی قم عزیمت کرد و در فاصله شش ماه بقیه دروس سطح، مکاسب و کفایه را خواند.

در سال 1327 هـ.ش دروس جدید را ادامه داده و دیپلم ادبی را در امتحانات متفرقه به دست آورد. بعد وارد دانشکده الهیات (معقول و منقول) شد و در سال 1330 هـ.ش لیسانس گرفت. تا سال 1329 و 1330 هـ.ش در تهران بود و بعد از پایان آن سال مجدداً وارد قم شد و رسماً در دبیرستان حکیم نظامی به عنوان دبیر زبان مشغول به تدریس گردید.
از سال 1335 تا 1338 هـ.ش دوره دکترای فلسفه و الهیات را گذراند. از سال 1339 هـ.ش در صدد سازمان دادن به حوزه علمیه و تنظیم برنامه تحصیلات آن برای مدت 17 سال بر آمد که حاصل آن تأسیس مدرسه حقانی و منظریه بود.
اساتید: شهید دکتر بهشتی از وجود استادانی گرانقدر چون:

- 1 - مرحوم محقق یزدی.
 - 2 - شیخ مرتضی حائری.
 - 3 - سید حسین بروجردی.
 - 4 - سید محمد تقی خوانساری.
 - 5 - علامه طباطبائی.
 - 6 - سید روح الله خمینی (ره) بهره های بسیاربرد.
- تالیفات: آثار و تألیفاتی که از او باقی مانده به شرح زیر می باشد.
- 1 - خدا از دیدگاه قرآن.
 - 2 - بانکداری و قوانین مالی در اسلام.
 - 3 - روحانیت در اسلام و در میان مسلمین.

- 4 - نماز میت.
- 5 - يك قشر جديد در جامعه.
- 6 - مبارز پيروز.
- 7 - شناخت دين.
- 8 - نقش دين در زندگي انسان.
- 9 - کدام مسلک.
- 10- شناخت.
- 11- مالکیت.
- 12- مدیریت در اسلام.
- 13- پیرامون انقلاب اسلامی.
- 14- مجموعه مقالات و دهها مقاله و رساله.

خصوصیات اخلاقی: کمتر دیده می شد که خشمگین شود و یا با دشمن خود در آویزد. بد گویی ها را به زبان نرم پاسخ می گفت و سعی داشت مسائل را از راه بحث و استدلال حل کند.

او مردی بد زبان غیبت کننده و سخن چین نبود و حتی آن نبود که با دشمن خود در افتد و از او بد گویی کند. او اهل دورغ و تزویر نبود. ریا نمی کرد و می گفت: ریا آفت زندگی است، از ویژگی های او خوش قولی بود. امکان نداشت او قولی بدهد و دیرتر بیايد و یا قولی بدهد و عمل نکند. و از این بابت زبان زد بود. فردی بود دارای شهامت فوق العاده، اگر اشتباهی میکرد به آن اعتراف می نمود و هرگز در برابر خطا و لغزش خود ایستادگی نداشت. از ویژگی های دیگر او واقع بینی و حقیقت گرایی بود. مسائل را می دید و در برابر آن موضع عاقلانه می گرفت.

فردی بود راز دار و سر نگه دار، نقشه ها، فعالیت ها و اسرار او را کسی نمی فهمید. آری او از همان دوران جوانی خود را ساخته بود و روحیات و ملکات بزرگان و فضایل اخلاقی مشایخ در او تأثیر گذارده بود.

فعالیت: در سال 1326 هـ. ش برنامه تبلیغی تنظیم کرده و قرار شد که برای تبلیغ به دور ترین روستاها برود و با مختصر هزینه سفری که از آیت الله بروجردی می گرفت روستائیان را ارشاد نماید.

در سال 1341 هـ. ش به تشکیل کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان اقدام کرد. در مبارزات سالهای 41 و 42 شرکت فعال داشت و در تدوین و تنظیم اعلامیه ها کمک های مؤثری نمود. از سال 42 گروهی تحقیقاتی برای بررسی در زمینه حکومت اسلامی تشکیل داد و در همین سال به دستور ساواک ناگزیر از ترك قم گردید. به تهران آمد و در برنامه ریزی جهت تدوین کتب درسی با شهید باهنر همکاری نزدیکی داشت و در همین سال با گروه های مبارز، هیئت های مؤتلفه همکاری فعال داشت و در شواری چهار نفری تحت عنوان شواری فقهی، سیاسی با همکاری شهید مطهری شرکت کرد.

مسافرت: در سال 1342 هـ. ش با پیشنهاد و درخواست آیت الله حائری و آیت الله میلانی به هامبورگ رفت و سرپرستی مسجد آنجا و ارشاد مذهبی جوانان و بر ملا کردن جنایات شاه را بر عهده گرفت. و این سفر تا 1349 هـ. ش ادامه یافت. در این فاصله مسافرت هایی به سوریه و ترکیه و عربستان سعودی جهت حج و لبنان برای دیدن امام موسی صدر و در سال 1348 هـ. ش سفری به عراق جهت زیارت امام کرد. سال 49 به ایران برگشت، در حالی که امکان سفر مجددش به آلمان نبود. در تهران جلسات درس و تفسیر را شروع کرد و به بررسی کتاب های درس پرداخت و این کار تا سال 1355 هـ. ش ادامه یافت.

از سالهای 1355 هـ. ش به بعد به کارهای تشکیلاتی پرداخت و در سال 56 در صدد ایجاد تشکیلات گسترده با فعالیت های مخفی و علنی برای تشکیل يك حزب اقدام کرد. و در همین سال به علت پیدایش اختلافات بین نیروهای فعال اسلامی در خارج که حتی در گیری هایی با هم پیدا کرده بودند به خارج و حتی به آمریکا سفر کرد و باب جدیدی را در هماهنگی نیروهای اسلامی گشود. در سال 1357 هـ. ش چند روزی دستگیر و سپس آزاد شد و بعد از آزادی به پاریس نزد امام رفت. بعد از برگشت، در تعیین خط مشی انقلاب نقش مؤثری ایفا کرد.

خدمات: در آذر ماه سال 1357 هـ. ش به فرمان امام شوراى انقلاب تشکیل داده و در رفراندوم مجلس خبرگان انتخاب و به عنوان نایب رئیس مجلس به اداره امور و تنظیم و تدوین قانون اساسی پرداخت. بعد از استعفای دولت موقت در 1358 هـ. ش مدتی به عنوان وزیر دادگستری انجام وظیفه کرد و آنگاه از طرف امام به عنوان رئیس دیوان عالی کشور بر گزیده شد.

وفات (شهادت): عاقبت در شامگاه هفتم تیر ماه 1360 هـ. ش مطابق با 1402 هـ. ق بعد از نماز مغرب و عشا در جلسه تشکیل یافته از سوی حزب جمهوری اسلامی و به هنگام سخنرانی در تالار آن، بر اثر انفجار بمبی که توسط سازمان منافقین در آنجا کار گذارده شده بود، به همراه 72 تن از دوستان، هم رزمان و هم فکran دکتر آسوده و راحت، فارغ از مسئولیت های سنگین، و دور از همه جنجال، توطئه ها، کارشکنی ها، نفاق ها و اتهامات چشم بر هم نهاده و با دست و پای برید به فیض شهادت نایل آمدند.

آغاز بمباران وحشتناک و بی سابقه ورشو پایتخت لهستان در سال 1939 میلادی

بمباران وحشتناک و بی سابقه ورشو پایتخت لهستان در سال 1939 میلادی آغاز شد. بمب افکنهای آلمان نازی در زمان جنگ جهانی دوم این بمباران را شروع کردند. بمباران ورشو 11 روز بطول انجامید و سرانجام آلمانی ها این شهر را تصرف کردند.

هیتلر رهبر آلمان نازی به فرماندهان خود دستور داده بود که از هر طریق ممکن شهرورشو را تصرف کنند. گفتنی است که در این بمباران بیش از 15000 تن کشته شدند.